



◆ سیدینام علوی مقدم

کلیدواژه‌ها:

زبان شناسی صورت گرا،
زبان شناسی نقش گرا، زبان شناسی
شناختی، دستور زایشی گشتاری،
روال کشف، نحو، ساخت گرایان خرد
و کلان، تعالی گرای، معناشناسی،
کاربرد شناسی.

چکیده:

سه نگرش و رویکرد زبانی در عصر ما حاکم است: زبان شناسی صورت گرا،
زبان شناسی نقش گرا و زبان شناسی شناختی. بر اساس این سه دیدگاه «زبان» می‌تواند
سه نوع تعریف متفاوت داشته باشد و با سه دیدگاه گوناگون مورد مطالعه قرار گیرد.
زبان شناسان صورت گرا زبان را نظامی بر اساس «ساخت»، ریاضی گونه و فرمول بنیان
می‌دانند. نقش گرایان زبان را به عنوان پدیده‌ای برای ایجاد ارتباط می‌بینند و شناخت
گرایان برای زبان به یک «نظام شناختی» اعتقاد دارند.

دیدگاه‌ها قابل مطالعه است.

زبان شناسان صورت‌نگرا زبان را نظامی بر اساس «ساخت»
ریاضی گونه و فرمول بنیان می‌دانند. زبان شناسان نقش گرا، به زبان،
به عنوان پدیده‌ای برای ایجاد ارتباط نظر می‌کنند و بالاخره زبان
شناسان شناختی، نظام زبان را نظامی شناختی می‌انگارند.
اینک به اختصار، به هر یک از رویکردهای یاد شده می‌پردازیم.

۱- زبان شناسی صورت گرا (Formal Linguistics)

این رویکرد زبان شناختی، زبان را نظامی ساخت بنیان فرض
می‌کند و برای ساخت زبان اهمیت ویژه‌ای قایل است. نظریه‌های
صورت گرای متعددی هم چون «دستور مانگیو»، «دستور واژه»،
«دستور زایشی» و... موجود است.

«دستور زایشی - گشتاری» و «ساخت گرای» را می‌توان دو
زیرمجموعه‌ی مهم از صورت گرای به حساب آورد. عده‌ای هم چون
«لیکاف»، «دستور زایشی - گشتاری» را ادامه‌ی راه ساخت گرای
دانسته‌اند. آن‌ها بر این باورند که چون ساخت گرایان در مطالعات

هنگامی که به مقدمه‌ی کتاب‌های زبان شناسی فارسی دوره
دبیرستان مراجعه می‌کنیم، این عبارت توجه ما را به خود جلب
می‌کند: «کوشش مؤلفان بر این بوده که دستور زبان دوره‌ی دبیرستان
بر مبنای نظریه‌ی علمی «ساخت گرای» نوشته شود و در مواردی نیز
که نظریه‌های دیگر از جمله «نقش گرای» و «گشتاری» در تحلیل
قضایای دستوری موفق‌تر بوده‌اند، از آن نظریه‌ها استفاده شود.»

نظر به این که اکثر دبیران فارسی به علت نبود واحدی درسی در
تحصیلات دانشگاهی آنان، با رویکردهای زبان شناختی ذکر شده،
آشنایی کافی ندارند، لذا بر آن شدم چند سطر را درباره‌ی مکاتب
مسلط زبان شناسی امروز که شامل موارد بالا نیز می‌شوند، بنگارم.
نگرش‌های غالب زبان شناسی در عصر ما عبارت‌اند از:

۱- زبان شناسی صورت گرا

۲- زبان شناسی نقش گرا

۳- زبان شناسی شناختی.

این سه نگرش به زبان، در حقیقت سه رویکرد است که بر اساس
آن‌ها، زبان با سه دیدگاه مختلف تعریف می‌شود و بر اساس همان

مکاتب زبان شناسی مسلط



واج‌ها و تکواژها... به حد اشباع رسیدند، طبعاً دستور زایشی باید به نحو روی می‌آورد و در نتیجه دستور «زایشی-گشتاری»، انقلابی در زبان‌شناسی نبوده است.

اما برخلاف این ادعا، دستور زایشی را می‌توان یک نوآوری مهم در زبان‌شناسی پنداشت، زیرا این دستور، برخلاف ساخت‌گرایی که بیش‌تر کارش «توصیف» زبان‌های بومی آمریکا بوده است، به نظریه‌پردازی و تدوین یک نظریه‌ی زبانی برای قوه‌ی نطق پرداخته است و اگر هم در این بین از «توصیف» استفاده شده، برای دست‌یابی و تکوین یک «نظریه‌ی زبانی» بوده است.

در دستور زایشی «نحو» زایاترین و پراهمیت‌ترین بخش زبان فرض شده که بخش‌های دیگر زبان همه بر اساس آن، تفسیر می‌شوند. در صورتی که در ساخت‌گرایی و به‌خصوص از نوع آمریکایی‌اش، تکواژشناسی، واج‌شناسی، استخراج واج‌ها و تکواژها و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس تعدادی «روال کشف» بیش‌تر مورد توجه بوده‌اند و توجه اندکی به «نحو» شده است.

به بیان دیگر، ساخت‌گرایی بیش‌تر به واج و تکواژ و کشف آن‌ها از داده‌های زبانی می‌پردازد ولی دستور زایشی، به «نحو» توجه بیش‌تری را معطوف می‌کند و «نحو» اصلی‌ترین سطح زبانی معرفی می‌گردد.

اکنون به بیان وجوه اشتراک و افتراق نظریات «ساخت‌گرایی» و «زایشی-گشتاری» می‌پردازیم.

قبل از آن بهتر است به تقسیم‌بندی ساخت‌گرایان اشاره شود. بنا به تعبیر بورگارسکی، ساخت‌گرایان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: الف: ساخت‌گرایان کلان ب: ساخت‌گرایان خرد.

الف: ساخت‌گرایان کلان

در این زیرمجموعه، به افرادی همچون «فردینان دو سوسور» بر می‌خوریم که نقش به‌سزایی در تکوین این زیرمجموعه

مروزی

داشته‌اند. ساخت گرای کلیان معتقد است زبان، نظامی سلسله مراتبی است و یک سامانه (سیستم) است که اجزاء آن در ارتباط با یکدیگرند و ارزش هر عنصر زبانی در ارتباط با دیگر اجزاء و کل سیستم زبانی تعیین می‌شود. در ضمن آن‌ها بین «زبان» و «گفتار» تفاوت قایل‌اند زیرا ذهن گرای‌اند و جدای از «جسم»، به وجود «ذهن» در آدمی اذعان دارند.

ب: ساخت گرایان خرد

ساخت گرایانی همچون «بلومفیلد» و «هریس» در این زیر مجموعه‌اند. آن‌ها معتقد به یک سری «روال کشف» برای توصیف و دسته‌بندی عناصر زبانی‌اند. آن‌ها هم چنین بین زبان و گفتار تمایزی قائل نیستند و سطح روینایی زبان را برای مطالعه کافی می‌دانند. زیرا آن‌ها دارای تفکر تجربه‌گرایی و رفتار گرای‌اند و قایل شدن به «ذهن» در انسان را لازم نمی‌دانند و اگر آن را قبول داشته باشند، دسترسی به آن را ناممکن می‌دانند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود حتی در یک مکتب زبانشناسی نیز، اختلاف‌های

فاحشی
بین طرفدارانش
مشاهده
می‌گردد.

وجوه اشتراک و افتراق ساخت گرای

و دستور زایشی - گشتاری

وجوه اشتراک این دو نگرش، «صورت‌گرایی» این دو مکتب است و این بدان معناست که هر دو گروه به «معنا»، به خصوص معنای منحصر به بافت توجهی ندارند.

تفاوت‌های اساسی ساخت گرای و دستور گشتاری بدین قرار است:

الف: در دستور زایشی - گشتاری تمایزهایی بین توانش (دانش زبانی موجود در ذهن) و کنش (تجلی فیزیکی و عینی زبان) و ژرف ساخت (ساخت ذهنی جملات و عبارات) و رو ساخت (ساخت عینی جملات و عبارات) مطرح است که در ساخت گرای به این تمایزات اهمیت داده نمی‌شود.

ب: ساخت گرای، یادگیری زبان کودک را بر اساس استقرار، نداعی، قیاس و به عبارتی بر اساس «تجربه‌گرایی» می‌داند در صورتی که در دستور زایشی - گشتاری، یادگیری زبان کودک بر اساس اصلی ذاتی و زیستی و بر مبنای عقل‌گرایی دکارتی است و اعتقاد بر این است که یادگیری زبان در کودک جنبه‌ی ذاتی و ارثی دارد و تماماً اکتسابی و محیطی نیست.

ج: ساخت گرایان معتقدند تفاوت‌های بی‌حد و حصری بین زبان‌ها موجود است. به عبارتی آن‌ها اعتقاد به «نسبیت زبانی» دارند و تلاش برای رسیدن به همگانی‌های زبان را بی‌هوده می‌دانند. در صورتی که گشتاریان «دستور همگانی» را مطرح می‌نمایند و اعتقاد دارند تفاوت زبان‌ها فقط یک تفاوت روینایی و ظاهری است در صورتی که شباهت زبان‌ها در ژرف ساخت «ساخت ذهنی» بسیار زیاد است. در این جا به این توضیحات بسنده می‌کنیم و به رویکرد نقش‌گرایی می‌پردازیم.

۲- زبان‌شناسی نقش‌گرا (Functional Linguistics)

عده‌ای هم چون «گیون» بر این عقیده‌اند که باید صورت‌گرایی را ترک گفت و به رویکرد دیگری نظر کرد. نگرش مورد نظر آن‌ها، «نقش‌گرایی» است. آن‌ها معتقدند نادیده گرفتن «نقش» در موجودات با روح، بی‌معناست، زیرا «نقش» در موجودات ذی‌روح حایز اهمیت است.

آن‌ها هم چنین بر این باورند که نیازهای ارتباطی است که باعث به وجود آمدن «نحو» می‌گردند و زبان‌شناسان باید در جست و جوی همگانی‌های کلامی باشند تا همگانی‌های نحوی و صوری،

چرا که این کلام و نقش است که پدیده آورنده‌ی نحو و صورت است. به بیانی دیگر از نظر آن‌ها «صورت» در خدمت «نقش» است. شواهدی نیز در اثبات این ادعا می‌تواند ذکر شود که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- شواهد تحول تاریخی زبان: بررسی تحولات تاریخی زبان نشان می‌دهد که زبان در آغاز برای ایجاد ارتباط و ایفای نقش پدیدار گشته و صورت و نحو برای تکمیل این پدیده به وجود آمده‌اند.

ب- مراحل زبان آموزی کودک و زبان آموزی دوم بزرگ سالان: مطالعه بر روی مراحل زبان آموزی کودک و زبان دوم بزرگ سالان حاکی از آن است که زبان مادری کودک و زبان دوم بزرگ سالان حداقل قید و بندهای نحوی و صرفی برخوردار است و ایجاد ارتباط مهم تلقی می‌شوند

ج- ویژگی‌های گونه‌ی محاوره‌ای در مقابل گونه‌ی نوشتاری: بررسی‌های آماری نشانگر این مطلب است که سادگی گونه‌ی محاوره‌ای و پیچیدگی و همستگی نحوی در گونه‌ی نوشتاری و تحریری ویژگی بارز این دو گونه‌ی زبانی است. شواهد سه‌گانه‌ی بالا، دال بر آن است که همیشه «نقش» زبانی به «صورت» زبانی از ارجحیت و اولویت برخوردار بوده است و شاید نقش کاربردی زبان بوده که منجر به پیدایش زبان گردیده است. هم‌چنین به تبع به وجود آمدن «نقش»، صورت و نحو نیز پدیدار گشته‌اند.

در این مکتب هم زیرمجموعه‌های متفاوتی موجود است که آن‌ها نیز، هم چون تمامی مکاتب، دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند. از وجوه شباهت این زیرمجموعه‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد: الف: تعالی گرای: تمامی نقش‌گرایان معتقد به تعالی‌گرایی هستند. تعالی‌گرایی، بررسی زبان را منوط به فرهنگ، محیط، بافت، جامعه و... می‌داند.

ب: وجود زبان به دلیل ارتباط: همگی نقش‌گرایان بر این باورند که زبان فقط و فقط به دلیل ایجاد ارتباط، پدیده آمده است و نقش ارتباطی زبان جزء جدایی‌ناپذیر هر زبانی است.

وجه افتراق آنان نیز بیش‌تر در اختلاف نظر در مورد درجه و نسبت اصل بودن «نقش» نسبت به «صورت» است. یکی از افراطی‌ترین نقش‌گرایان که برای «نقش» اهمیت بسیاری قایل شده «هاپر» است. او مبدع «دستور پیدایشی» است. او مقولاتی هم چون «اسم»، «فعل»، «جمله» و... را مفاهیم ثابت دستوری نمی‌داند. بلکه مفاهیمی فرض می‌کند که خط مشی‌های ارتباطی، این صورت‌ها را به دست می‌دهند. به عبارت دیگر، فعل، اسم و جمله مفاهیمی نشئت

گرفته از نقش‌های کاربرد شناختی‌اند و به طور مستقل و ثابت وجود ندارد. خلاصه‌ی کلام این که در دستور پیدایشی، کاربردشناسی و کلام، اصل و مبناست و صورت تابعی از آن است.

یکی از تفاوت‌های بنیادی بین صورت‌گرایان و نقش‌گرایان، تفاوت در نگرش آن‌ها نسبت به «منشأ» زبان است. صورت‌گرایان بر این باورند که نظام ارتباطی حیوانات و زبان انسان از لحاظ کیفی با هم متفاوت‌اند و زبان انسان صورت کامل شده‌ی نظام ارتباطی حیوانات نیست. اما نقش‌گرایان اذعان دارند که نظام ارتباطی حیوانات و انسان همانندند و فقط از لحاظ درجه و کمیت با هم متفاوت‌اند. به بیان دیگر، زبان انسان صورت تکامل یافته‌ی نظام ارتباطی حیوانات است.

۳- زبان‌شناسی شناختی (Cognitive Linguistics)

با توجه به این که در مقدمه‌ی کتاب‌های فارسی دوره‌ی دبیرستان اشاره‌ای به این نگرش نشده است به توضیحی کوتاه و مختصر در مورد آن بسنده می‌کنیم. این مکتب، رویکردی شناختی نسبت به زبان دارد. پیروان این مکتب زبان را نظامی ذهنی و شناختی فرض می‌کنند و شناخت آن را بدون درک نظام شناختی میسر نمی‌دانند. در این دستور، معنا و صورت دوروی یک سکه‌اند و بر یکدیگر برتری ندارند و همراه هم و به صورت برابر در پدیده‌ی زبان مؤثرند. در این نگرش معنای تحت‌اللفظی که همان معنای فرهنگ وار است مورد نظر نیست. بلکه معنای غیر تحت‌اللفظی یعنی معنای متکی به بافت مد نظر است. هم‌چنین در این نظریه، تفکیکی بین معناشناسی و کاربردشناسی نیست. در دستور شناختی اشتقاق یک یا چند ساخت از ساختی انتزاعی‌تر مطرح نیست و هیچ دو ساختی هم معنا و مفهوم نیستند. زیرا یک عنصر باعث ایجاد تفاوت در معنا می‌شود. مثلاً ساخت معلوم و مجهول یک جمله، در این نظریه هم معنا فرض نمی‌شوند. بلکه به دلیل تفاوت در جای عناصر جمله، در معنی نیز تفاوت ایجاد می‌شود.

منابع اصلی.....

- زبان‌شناسی نظری، دبیرمقدم، محمد، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸
- Schools of Linguistics, G. Sampson, London, 1980
- A Survey of Structurad Linguistics, G.C. Lepschy, Faber and Faber, 1972.
- Linguistic Theory in America, Newmeyer, F. J., Academic Press, N. Y., 1988.